

باسمه تعالی



رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاربرگ طرحنامه پژوهشی (Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی‌کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می‌داند.

عنوان طرح:

جریان شناسی تحولات اجتماعی-فرهنگی زنان معاصر افغانستان

ارائه‌دهنده: محمد امین رشادت

خلاصه طرح:

موضوع این تحقیق بررسی تحولات اجتماعی - فرهنگی زنان معاصر افغانستان در نیم قرن اخیر است. در این تحقیق تلاش بر این است تا سیر تحولات و تغییراتی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در حوزه زنان رخ داده است مورد بررسی قرار گیرد. مسئله زنان در افغانستان یکی از مسائل حساس و چالش برانگیز در صد سال اخیر کشور بوده است و به مثابه یک واقعیت اجتماعی در صدر منازعات و مباحثات سیاست‌گران اعم از سنت‌گرایان و متجددین قرار داشته است. افغانستان به لحاظ جامعه شناختی، کشوری روستایی و سنتی است. نزدیک به ۷۰٪ در صد مردم این کشور در روستاها زندگی می‌کنند. بیشتر معیشت مردم از طریق کشاورزی به دست می‌آید. رسوم و سنت‌های قبیله‌ای ریشه‌های عمیقی در جامعه افغانستان دارد. تفسیر و قرائت‌های سطحی و نامنعطف از آموزه‌های دینی و مذهبی در راستای ترویج و تشویق فرهنگ قبیله‌ای، جریان سنت‌گرایی را مدام باز تولید نموده و استمرار بخشیده است. از سوی دیگر جامعه افغانستان از آغاز سده بیستم تا کنون همانند سایر جوامع اسلامی درگیر فرایند تجدد و نوگرایی بوده است. این فرایند نیز در مقاطع از تاریخ صد سال اخیر افغانستان حضور داشته و بر سیاست و فرهنگ این کشور تأثیر گذاشته است.

باتوجه به مطالب فوق و با تأثیر پذیری از دو جریان کلان فکری سنت و تجدد، زنان شاهد تحولات و تغییرات زیادی در حوزه فرهنگی و اجتماعی بوده است. تحول نخست در وضعیت زنان در دوره مشروطیت پدید آمده است. این تحول با محوریت انجمن حمایت از نسوان، بیشتر در حوزه آموزشی و فرهنگی و تا حدودی فعالیت اقتصادی برای زنان باز شناخته می‌شوند. تحول دوم در حوزه زنان را، همزمان با اعطای حق رأی ۱۹۶۴ به زنان شاهد هستیم، در این دوره موسسه عالی نسوان که بیشتر در حوزه سیاسی و پارلمانی فعالیت داشتند، این تحول را راهبری نموده است. تحول سوم برای زنان، همزمان است با روی کار آمدن نظام‌های چپ گرا و سوسیالیستی در افغانستان. در این تحول زنان در قالب سازمان دموکراتیک و متأثر از ایدئولوژی مارکسیسم به عنوان کنشگران فعال در بخش سیاست و اجتماع حضور داشتند. تحول بعدی که بیشتر مربوط به دوره جنگ‌های داخلی و طالبان می‌شود، فعالیت‌های فرهنگی و نشراتی زنان است که بخشی در داخل افغانستان و بخشی هم در خارج از کشور در قالب انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی و یا خیریه‌های اجتماعی فعالیت داشتند. جریان اخیر زنان مربوط به بیست سال اخیر و همزمان با حضور جامعه جهانی در افغانستان شکل گرفته است که در قالب جریانهای چون سازمان خدیجه الکبری در سال ۲۰۰۴، شبکه زنان افغان، جمعیت انقلابی زنان افغانستان روا، ۱۳۵۶، کمیته پنجاه درصد، موسسه زنان جوان برای تغییر، موسسه شهدا ۱۳۶۸، کمیته مشارکت سیاسی.

تاریخ ارائه: مدت اجرا: بودجه پیشنهادی:

ویرایش اول: ☐ دوم: ☒ سوم: ☐ چهارم: ☐

تکمیل توسط پژوهشگر

پژوهشگر: گروه پژوهشی:

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

* نوع پژوهش: بنیادی ☐ کاربردی ☐ توسعه‌ای ☐

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می‌گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می‌شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه‌ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش‌ها و مکانیزم‌ها و محصولات منجر می‌شود.

۱. مشخصات مجری یا مدیر طرح:

نام و نام خانوادگی: محمد امین رشادت نام پدر: شماره شناسنامه: .. محل تولد: افغانستان

محل صدور: افغانستان سال تولد: روز ماه سال آخرین مدرک تحصیلی (دانشگاهی/حوزوی):

دکترای جامعه شناسی / خارج فقه و اصول رتبه علمی (دانشگاهی / حوزوی): پایه استخدامی:

کد ملی:

نشانی محل کار: کد پستی:

نشانی منزل: تهران کد پستی:

تلفن منزل: تلفن محل کار: تلفن همراه: ... نمابر: آدرس پست

الکترونیک:

سوابق تحصیلی از لیسانس به بعد:

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل	نام کشور	سال اخذ مدرک
۱	لیسانس	معارف اسلامی و مطالعات اجتماعی	قم، جامعه المصطفی	ایران	۱۳۸۴
۲	فوق لیسانس	جامعه شناسی فرهنگ	قم، جامعه المصطفی	ایران	۱۳۹۱
۳	دکتر	جامعه شناسی تغییرات اجتماعی	دانشگاه شیراز	ایران	۱۳۹۷
۴					

سوابق شغلی و تجربی (به ترتیب از حال حاضر به قبل):

ردیف	محل کار	سمت	مدت	شهر-کشور
۱	کابل	عضویت هیات علمی و موسسان دانشگاه غرجستان کابل	۱۰ سال	افغانستان
۲	=	معاونت علمی - آموزشی دانشگاه غرجستان	۶ سال	=
۳	=	مشاور فرهنگی معاونت ریاست جمهوری	۱ سال	=
۴	=	سر دبیر نشریه سنایی	۴ سال	=
۵	=	دبیر علمی فصلنامه غرجستان	۴ سال	=
۶		عضو هیات تحریریه فصلنامه غرجستان	۶ سال	

طرح‌های تحقیقاتی انجام داده و یا در حال اجرا:

ردیف	پروژه	محل اجرا	سال اجرا	وضعیت	نوع همکاری	مبلغ
۱						
۲						
۳						
۴						
۵						
۶						
۷						
۸						
۹						
۱۰						

دیگر فعالیت‌های پژوهشی (کتاب، مقاله و ...):

ردیف	عنوان فعالیت پژوهشی	محل	ناشر	سال
۱	نقد و بررسی جریان های روشنفکری در افغانستان	پایان نامه فوق لیسانس	کتابخانه المصطفی	۱۳۹۱
۲	برساخت اجتماعی فرایند مشارکت سیاسی زنان در افغانستان	رساله دکترا	کتابخانه دانشگاه شیراز	۱۳۹۷
۳	عقلانیت در اندیشه بزرگان جامعه شناسی	فصلنامه دانشگاه غرجستان	انتشارات دانشگاه غرجستان	۱۳۹۲
۴	بررسی موانع توسعه اجتماعی در افغانستان	فصلنامه غرجستان	انتشارات دانشگاه غرجستان	۱۳۹۳
۵	نقد و بررسی جریان روشنفکری در افغانستان	فصلنامه غرجستان	انتشارات دانشگاه غرجستان	۱۳۹۴
۶	بررسی مفهوم عقل در قرآن	ماه نامه هادی	موسسه امام هادی ع	۱۳۸۷
۷	بررسی کجروی اجتماعی با تاکید بر سرقت های مسلحانه در افغانستان	روزنامه راه مدنیت	راه مدنیت	۱۳۹۷
۸	بررسی عوامل بهسازی فرهنگی در افغانستان	روزنامه راه مدنیت	راه مدنیت	۱۳۹۸
۹	بررسی نقش مهاجرین در توسعه کشور	ماه نامه عودت	وزارت مهاجرین	۱۳۹۸
۱۰				

۲. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق):

افغانستان به لحاظ جامعه شناختی یک جامعه روستایی، سنتی و مذهبی است و سنت‌های اجتماعی مخصوصاً در قالب قوم و قبیله ریشه‌های عمیقی در جامعه افغانستان دارد. با این توضیح که پراکندگی جمعیت، خصوصیات سخت اقلیمی و جغرافیایی، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و مالداري، فقدان زیرساخت‌های شهری، نبود و کمبود راه‌های ارتباطی، منابع محدود اقتصادی، آب و هوای خشک و کوهستانی و سایر عوامل محیطی و زیستی، موجب شده که زندگی روستایی و قبیله‌ای، به عنوان غالب‌ترین الگوی زیستی - فرهنگی در طول صدها سال در افغانستان پایه ریزی شود. خصوصیت مشترک و نمود بارز این نوع زندگی اجتماعی، تسلط سنت‌ها و هنجارهای قبیله‌ای، عادات، نمادها و آیین‌های زیست محیطی، الگوها، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و ارزش‌های اخلاق بدوی است (واعظی، ۱۳۸۴). با ثبات‌ترین نمود و آشکارترین نماد این نوع فرهنگ و بینش، درالگوی پدرسالاری تبلور یافته است و به لحاظ سیاسی، کشوری است که تجربه‌های ناکام و ناتمام در دولت-ملت سازی داشته و با ناپایداری مداوم در نظام سازی مواجه بوده است. از سوی دیگر دخالت نظامی و سیاسی کشورهای بیرونی و به دنبال آن ظهور جریانهای افراطی مذهبی، زیست طبیعی و زندگی اجتماعی را در این کشور دچار اختلال کرده است. بنابراین انقطاع و گسست مستمر در حوزه سیاسی و حکومتداری، حضور ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های نامتجانس و ناهمگون، ظهور و بروز جریان‌های رادیکال و افراطی در حوزه دیانت و مذهب، مجموعاً تعادل و توازن رفتاری و فکری را از این کشور سلب نموده و روند طبیعی فرهنگ سازی و جامعه پذیری را دچار نارسایی کرده است. در چنین زمینه و زمانه‌ای وضعیت زنان بیشتر از دیگر گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌های افراط و تفریط فرهنگی و قبض و بسط‌های اجتماعی قرار گرفته است.

موضوع زنان و چگونگی حضور آنان در جامعه همواره در صدر مجادلات کنشگران سیاسی و دینی قرار داشته است و زنان با انواع و اقسام سیاست‌های جنسیتی دولت محور در صد سال اخیر مواجه بوده است. به همین جهت بحث حقوق زنان خط اول عرصه‌ی منازعه گروه‌های سنتی با نوگرایان از ابتدای قرن بیستم تاکنون بوده است. از یک سو محافظه‌کاران با هر نوع تغییر و دگرگونی در شیوه زندگی زنان که به بهبود و ارتقای موقعیت و اشتراک بیشتری آنان در زندگی اجتماعی بینجامد، شدیداً مخالف بوده و آن را به مثابه تلاش‌های ضد اسلامی معرفی نموده و در صدد بسیج عمومی برای بازگرداندن آن بوده اند (رسولی و بیگ، ۲۰۱۴: ۸) و از سوی دیگر نوگرایان بدون در نظر داشت زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی، تلاش ورزیدند تا زنان این کشور را در چارچوب ارزشهای مدرن و متجدد تعریف و بازنمایی کنند. بنابراین زنان افغانستان حداقل در سده گذشته در برزخ ناهمگون دو رویکرد سنت و تجدد به زندگی اجتماعی و فرهنگی خود استمرار بخشیده و همراه و هم‌نوا با این منازعه دیرپا تحولات و تغییرات زیادی را شاهد بوده اند.

وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در افغانستان به لحاظ تاریخی با قبض و بسط‌های سیاسی همراه بوده است و شرایط یک گام به جلو و دوگام به عقب را داشته است (گزارش آسیا^۱، ۲۰۱۳: ۱۳). در بخش بزرگ از تاریخ افغانستان، زنان بیشتر در حاشیه جامعه زیسته و شاهد نابرابری‌های سیاسی و مدنی بوده اند. جریان‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در افغانستان باتوجه به رویکردهای گفتمانی، نظام‌های سیاسی و ایدئولوژی‌های وارداتی، در چهار دوره معاصر قابل مطالعه است.

الف) زنان در دوره مشروطیت (۱۹۱۹-۱۹۲۸)

آغاز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان نزدیک به یک قرن قبل بر می‌گردد. درست زمانی که امیر امان الله غازی حکومت و قدرت را به دست می‌گیرد، زنان وارد فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند. چنانچه گفت شد، وضعیت زنان با چگونگی رژیم‌های سیاسی ارتباط مستقیم دارد. برای اولین بار، در زمان امیر امان الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) م. زنان توانستند در محافل مهم دولتی حضور یابند. در این دهه که جریان مشروطه خواهان دوم حکومت و قدرت را به دست گرفتند، مجموعه اقدامات برای بهبود وضعیت زنان انجام دادند. از جمله تأسیس اولین مدرسه دخترانه در کابل است که تحت عنوان "مکتب مستورات" در سال ۱۹۲۰ م، شروع به فعالیت می‌کند. بدنبال آن انتشار اعلامیه ملکه ثریا همسر امان الله (دختر محمود طرزی) در سال ۱۹۲۰ م مبنی اجباری بودن تعلیم و تربیت زنان که خود گام مهمی برای تشویق زنان در آن عصر به شمار می‌رود. تأسیس مجله هفتگی ارشاد النسوان در ۱۹۲۲ م (غبار، ۱۳۷۵: ۱۲۴۶) به ریاست اسماء رسمیه خانم محمود طرزی و تبلیغات وسیع دولت در همه مناطق کشور در سال ۱۹۲۳ م برای جلب توجه عمومی و طرفداری از تعلیم بانوان از جمله اقدامات اساسی برای زنان در این دوره است. علاوه بر این، سلسله مقالات محمود طرزی درباره زنان و هم چنین ارسال گروهی از دختران برای تحصیل به خارج از افغانستان و آموزش اجباری دختران بین سنین ۶ تا ۱۱ ساله گام‌های اولیه برای اعطای حقوق زنان به شمار می‌رود.

برای نخستین بار مطالبی در باره آزادی، حقوق و نقش اجتماعی - سیاسی زنان در نشریه "سراج الاخبار" که ۱۶ مهر ۱۲۹۰ هجری شمسی دوباره راه افتاد بود به نشر رسید. محمود طرزی از شماره هفتم سال نخست سراج الاخبار ستونی را به گفته خودش: (برای بی بی‌های مستورات و بیگم‌های مخدرات وطن عزیز) اختصاص داد و ستونی را زیر عنوان زنان نامور جهان به صورت مسلسل به چاپ می‌رساند و مقاله‌هایی کوتاه در مورد پیشرفت زنان و حضور آن‌ها در اجتماع در این ستون به نشر می‌رسید. مخاطبان این ستون تنها درباریان و برخی از افراد باسواد کابل بود در حالی که در روستاهایی افغانستان کسی نمی‌توانست چنین مقاله‌هایی را بخواند. علی‌رغم اینکه چاپ همین ستون و مقالات با مخالفت حلقات محافظه کار روبرو بود ولی محمود طرزی با سرسختی تمام آن‌ها را به منتشر می‌کرد (کاظم، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در مکتب مستورات چهل دختر کابلی به درس مشغول شدند. ملکه ثریا در تاریخ افغانستان اولین خانمی است که با حمایت‌ها و همکاری‌های فکری پدر و شوهر باسواد خود در برابر مشکلات چهل و جور و تعصب ایستاد و فعالیت‌های زنان را به صورت رسمی آغاز کرد. او در اولین اقدام خود با حمایت‌های پدر و امان الله خان و برای حمایت از زنان "انجمن حمایت نسوان" را پایه گذاری نمود. "انجمن حمایت نسوان" عصر امانی یک گام دیگر در رشد اجتماعی نسوان بود.

ب) زنان در دهه قانون اساسی (۱۹۶۴)

موج دوم فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان افغانستان بعد از یک وقفه طولانی در دوره ظاهر شاه ادامه می‌یابد. قانون اساسی سوم افغانستان که در زمان ظاهر شاه در سال ۱۹۶۴ به تصویب رسید، به زنان حق رأی داده شد و برای اولین بار زنان توانستند به عنوان کاندیدای منتخب وارد پارلمان شوند. این اصلاحات هرچند در کشور، مورد استقبال قرار نگرفت و مخالفت‌های جدی از جانب بنیادگرایان مذهبی را به دنبال داشت، اما این نخستین گام اساسی که برای اعطای حق مشارکت سیاسی زنان در این دوره برداشته شد. در نتیجه این اصلاحات، در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی، برای نخستین بار خانم‌ها رقیه حبیب و آناهیتا راتب زاده از کابل، خدیجه احراری از هرات و معصومه عصمتی از قندهار به پارلمان راه یافتند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۷۲۰). خانم‌ها عزیزه گردیزی و حمیرا سلجوقی نیز از سوی ظاهر شاه به عنوان نماینده مجلس سنا انتخاب شدند (طین، ۱۳۸۴: ۱۴۹). و در تشکیلات آن زمان کابینه کبرای نورزی به عنوان اولین وزیر زن در تاریخ افغانستان برای وزارت صحت عامه و شفیه ضیایی به عنوان وزیر

مشاور معرفی شدند(فرهنگ، پیشین)؛ (وردروث ، ۲۰۰۷: ۸). در سال ۱۳۲۲ خورشیدی، در زمان سلطنت محمدظاهر شاه، اتحادیه‌ی زنان که در آن بیست زن عضویت داشت، بنا بر مقتضیات زمان، نهادی را به نام "مؤسسه عالی نسوان" به منظور تشکل، آموزش و روشنگری زنان افغانستان در محل مرکزی شهر کابل (ساختمان همجوار شرقی هتل سربینای فعلی) پایه‌گذاری کرد. دو سال بعد از آن (در سال ۱۳۲۴ خورشیدی)، در اثر پیشنهاد و پیگیری بی‌بی زینب خواهر امان‌الله خان، برای این مؤسسه، یک قطعه زمین در ساحه شهرنو کابل (موقعیت فعلی وزارت امور زنان) خریداری و در آن یک باب کودکستان، مکتب، سینما و دفاتر کاری ساخته شد که سینمای آن را به نام زینب ننداری نام گذاری کردند و در این مدرسه، زنان متأهل که بنابر دلایل مختلف از تحصیل باز مانده بودند، درس می‌خواندند.

ج) سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دوره نظام مارکسیستی (۱۹۹۲-۱۹۶۵)

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از سازمان‌های توده‌ای زنان فعال در افغانستان بود که در برای برابری حقوق زنان و نیز دموکراسی تلاش می‌کرد. این سازمان در سال ۱۳۴۴ (نوامبر ۱۹۶۵ میلادی) توسط دوکتور آناهیتا راتب زاد، ثریا پرلیکا، کبرا علی، حمیده شیرزی، مومنه بصیر و جملیه کشتمند در کابل بنیان گذاشته شد(نظیری، ۱۳۸۹). از جمله فعالیت‌های این گروه می‌توان به برپایی تظاهرات‌هایی در جهت حقوق زنان اشاره کرد. برای اولین بار در افغانستان، زنان در تظاهرات که توسط گروه‌های چپ‌گرا سازمان‌دهی شده بود، شرکت کردند. در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸ میلادی) برخی از اعضای محافظه‌کار پارلمان می‌خواستند قانونی برای منع تحصیل دختران افغان در خارج کشور به تصویب برسانند ولی با سازماندهی سازمان زنان، صدها دختر علیه این پیشنهاد تظاهرات کرده و آن را مغایر با قانون اساسی افغانستان و تساوی حقوق زن و مرد دانستند. در نتیجه، پارلمان از این پیشنهاد صرف نظر کرد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰ میلادی) اعضای جناح افراطی «جوانان مسلمان» علیه پوشیدن لباس کوتاه و شیک پوشی زنان، به پای دختران و زنانی که لباس کوتاه به تن داشتند، با گلوله شلیک کردند و گاه به روی بعضی آنها با تیزاب اسید پاشی کردند. سازمان زنان بیش از ۵۰۰۰ زن و دختر در شهر کابل را سازمان‌دهی کرد و با تظاهراتی گسترده از حکومت وقت خواهان بازرسی و مجازات عاملین این کار شدند. حکومت نیز تعدادی از عاملین را دستگیر و زندانی کرد(سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، ۱۳۹۱). ساختار تشکیلاتی این سازمان دارای کنگره، شورای مرکزی، شورای اجراییه و شوراهای ولایتی و شهری بود. کنگره به عنوان عالیترین مقام، هر سه سال یک بار دایر می‌شد و اعضای شورای مرکزی از میان نمایندگان کنگره انتخاب می‌شدند. کمیته اجراییه این سازمان کمیسیون‌های دایم داشت. (جعفری، ۱۳۹۵: ۷۵).

د) زنان در دوره جنگ‌های داخلی و طالبان (۱۳۶۰-۱۳۷۱)

با حاکمیت دولت اسلامی مجاهدین، بسیاری از دست آوردها و تغییرات رسمی در عرصه حقوق زنان به نقطه آغازین خود برگشت. این دولت(۱۹۹۲-۱۹۹۶) براساس قوانین مذهبی نوع لباس پوشیدن، حرکت و فرصت‌های تحصیلی زنان را محدود ساخت و دیری دوام نیاورد که کشمکش‌ها بر سر قدرت، منجر به جنگ‌های داخلی گردید. در زمان رژیم طالبان(۲۰۰۱-۱۹۹۶) آزادی و حقوق زنان از لحاظ دسترسی به معارف، خدمات صحتی، اشتغال و حضور در جامعه هرچه بیشتر مقیدتر و محدودتر شد. سختگیری طالبان نوع واکنشی به نابسامانی‌های دوران حاکمیت مجاهدین بود. باوجود قوانین و رفتارهای سختگیرانه این گروه، برخی از زنان افغان با خطر پذیری زیاد کوشیدند که برای خود فضای جهت تنفس کشیدن و فعالیت به وجود آورند. تعداد کوچکی از زنان در موسسات کمک رسانی خارجی و داخلی مورد حمایت نهادهای بیرونی مشغول گشتند. برخی از سازمان‌های مخفی زنانه، مانند انجمن زنان افغانستان، دروه‌های آموزشی خیاطی، بافندگی و صنایع دستی برای زنان برگزار نمودند. برخی از دختران توانستند به صورت مخفیانه به تحصیل خود نیز ادامه بدهند. در این دوره که با مهاجرت گسترده مردان و زنان افغانستان به خارج از کشور

همراه هست. تعداد زیادی از بانوان در خارج از کشور اقدام به تاسیس انجمن های فرهنگی نمودند و نهادهای خیریه راه اندازی کردند. تعدادی اهل قلم و فرهنگ بانوان اقدام به نشر جراید و مجله های علمی و فرهنگی نمودند.

۵) وضعیت زنان در دوره جمهوریت (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

در نهایت، در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۱ که رژیم طالبان سقوط کرد درست پس از حادثه یازدهم سپتامبر فعالیت های زنان در افغانستان دوباره از سر گرفته می شود. این دوره زنان در رده های مختلف نظام سیاسی حضور دارند و همچنان در انتخابات متعددی مشارکت فعال داشته اند. نهادهای حکومتی، موسسات بین المللی، ارگان های دولتی، سازمان های حقوق بشری، و جامعه جهانی، همه از ابعاد مختلف به مسئله زنان و موضوعات مختلف آن توجه و تمرکز خاص داشته اند. پس از سقوط طالبان دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهدات متعددی را در قبال حقوق زنان افغانستان در قالب قوانین، معاهدات، توافقی نامه ها، پالیسی ها و اسناد استراتژیک امضاء و به تصویب رسانده است. (The Asia Foundation, 2016) مهم ترین جریان های اجتماعی زنان در این دوره عبارتند از: شبکه مشارکت سیاسی زنان، سازمان خدیجه الکبری، کمپین پنجاه درصد، موسسه شهدا و جریان های متعدد زنان که در نهادهای جامعه مدنی و مردم نهاد فعالیت داشتند.

باتوجه به مطالب فوق پرسشهای اصلی و فرعی این تحقیق قرار ذیل است

پرسش اصلی تحقیق: سیر تحولات اجتماعی فرهنگی زنان در دوره معاصر چگونه است؟

پرسش های فرعی تحقیق

الف) خرده گفتمان زنان در دوره مشروطیت چیست؟

ب) جریان اجتماعی فرهنگی زنان در دهه قانون اساسی کدامند؟

ج) ایدئولوژی و خرده گفتمان سازمان زنان دموکراتیک افغانستان چیست؟

د) در دوره نظام مجاهدین و طالبان وضعیت زنان چگونه بوده است؟

ه) جریان های اجتماعی زنان در دوره جمهوریت کدامند؟

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

۳. اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق:

دلایل و عوامل زیادی بر اهمیت و ضرورت این پژوهش وجود دارد. در میان این عوامل آنچه بیش تر بر ضرورت و ارزش این تحقیق تأکید می کند. نخست اینکه زنان افغانستان نزدیک به 49 درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می دهند (اداره ثبت احوال مرکزی، ۲۰۰۴) و همواره با تغییر نظام ها و انقطاع حکومت ها بیشترین آسیبهای اجتماعی و زبان های فرهنگی متوجه آنان بوده است. ضروری است تا یک تصویر روشن از وضعیت زنان و جریان های تاریخی مرتبط ارائه شود.

در گام دوم، چندین دهه جنگ، ظهور ایدئولوژی‌های متعدد و متناقض در کشور، مجموعاً یا باعث حاشیه‌نشینی و عزلت‌گزینی زنان گردیده و بدین سان حقوق سیاسی اجتماعی زنان مورد انکار و غفلت قرار گرفته است و یا در شکل افراطی آن در معرض نوسازی و نوگرایی قرار گرفته‌اند. ضروری است تا ضمن شناسایی جریان‌های مرتبط با زنان نوع آسیب‌شناسی این جریان‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

نهایتاً باز خوانی و باز شناسی جریان‌های اجتماعی و فرهنگی زنان افغانستان، دریچه‌ای بسوی شناخت جامعه افغانستان و فرهنگ و سنت‌های حاکم نیز خواهد بود.

هدف اصلی تحقیق:

شناسایی جریان‌های اجتماعی و فرهنگی و تحولات مرتبط به زنان در افغانستان است.

اهداف جزئی تحقیق:

الف) شناخت جریان اجتماعی و خرده‌گفتمان زنان در دوره مشروطه

ب) شناخت جریان اجتماعی زنان در دهه قانون اساسی

ج) شناخت جریان اجتماعی زنان در دوره نظام مارکسیستی

د) شناخت جریان اجتماعی زنان در دوره مجاهدین و طالبان

ه) شناخت جریان اجتماعی زنان در دوره جمهوریت

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

۴. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

فایزه توکلی (۱۴۰۰) در تحقیقی تحت عنوان جنبش‌های سیاسی - اجتماعی زنان در افغانستان از امان‌الله خان تا طالبان به فرایند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی زنان در افغانستان پرداخته و این جنبش‌ها را در مقاطع تاریخی مورد مطالعه قرار داده است. روش این تحقیق منابع کتابخانه‌ای است و با استفاده از منابع تاریخی، تحقیق را انجام داده است. به اعتقاد نویسنده ظهور کنشگران زن در عرصه‌های سیاسی اجتماعی از دوره امان‌الله در افغانستان منشأ تحولاتی مهم در مبارزه با نابرابری‌ها و واپسماندگی این قشر عظیم جامعه شده است.

فروتن و شجاعی (۲۰۱۷). در تحقیقی به "بررسی تطبیقی وضعیت زنان در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا" پرداخته و با سنجش شاخص‌های بین‌المللی چون توسعه جنسیتی، نابرابری و شکاف جنسیتی وضعیت زنان در این کشورها را طبقه‌بندی و ارزیابی نموده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مجموعه این کشورها به صورت کلی دارای شکاف جنسیتی به مراتب بیشتر از سایر نقاط جهانند. در عین حال تنوع و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز در میان شان وجود دارد.

نتایج تحقیقات جهانگیری و داداشی (۱۳۸۹) در مورد "تبعیض و مشارکت سیاسی زنان" نشان می‌دهد که نقش آموزش و پرورش در مشارکت

سیاسی زنان از اهمیت خاص برخوردار است. این تحقیق که از سوی انتشارات آرمان شهر و به حمایت مالی اتحادیه اروپا و جامعه باز افغانستان به نشر رسیده است حاوی مصاحبه با ۱۱ تن از فعالان عرصه آموزش و پرورش و فعالان و پژوهشگران مسایل زنان می باشد که به رابطه آموزش و پرورش و رفع تبعیض و مشارکت سیاسی زنان تأکید شده است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که زنان از طریق آموزش بهتر می‌توانند به عنوان شهروندان فعال وارد جامعه شوند. اما آموزش و دسترسی به تحصیل به تنهایی این امکان را برای آنان فراهم نمی‌کند که به کرسی‌های پارلمان یا مناصب دولتی دست یافته و به عنوان شخصیت‌های تأثیر گذار در تصمیم‌گیری‌های بزرگ مشارکت کنند. مشارکت سیاسی زنان با متغیرهای چون اشتغال زنان و توانمندی در عرصه اقتصادی، آگاهی جنیستی و جنبش دادخواهی و مساوات طلبانه ارتباط دارد.

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان (۱۳۹۵) در یک تحقیق کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق و بحث‌های گروهی، به "ریشه‌های ساختاری مشکلات زنان در افغانستان" پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که با وجود پیشرفت‌های که در زمینه حقوق زنان در یک دهه گذشته صورت گرفته است؛ اما وضعیت زنان همچنان محنت بار ارزیابی شده و به تغییر چشم‌گیری در ایستارها و رفتارهای مردان نسبت به زنان افغانستان نیاز است. از نظر این تحقیق، زنان افغانستان با ساختارهای پیچیده‌ای روبرو هستند که به صورت آشکار و پنهان بر حیات زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی تأثیر می‌گذارد و مانع تغییر وضعیت آنان می‌شود. ساختارهای مردسالارانه خانوادگی، نهاد دینی مردانه، فضای عمومی نا امن، بازار تحت سلطه مردان و فرهنگ و سنت‌های محافظه کارانه، محدودیت‌های چشم‌گیری را بر زنان تحمیل می‌کند. این تحقیق معتقد است پیشرفت زنان در افغانستان بدون آوردن اصلاحات در ساختارها و نهادهای معین اجتماعی فوق ممکن نیست.

سلیمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای "افغانستان و حق مشارکت سیاسی زنان"، مهم‌ترین چالش زنان افغانستان را در دو ریکرد رادیکال و رویکرد سنتی نسبت به زنان در افغانستان می‌داند. این تحقیق که به صورت اسنادی انجام یافته است، نتیجه می‌گیرد که زنان افغانستان از یک طرف با رویکردی از جایگاه زن در فرهنگ غرب مواجه‌اند که بر تساوی و تشابه جنیست میان زن و مرد تأکید دارد و از طرف دیگر با نگرشی رو برویند که بر تفاوت‌های بیولوژیکی و تفکیک جنیستی صحنه می‌گذارد که با اصل حضور زنان در اجتماع مخالفت می‌ورزد که عمدتاً ریشه در فرهنگ قبیله‌ای دارد. نویسنده با تکیه بر مبانی دینی، رویکرد اعتدالی و تکامل‌مدار را پیشنهاد و به عنوان مطلوب‌ترین راهکار مطرح می‌کند.

مقصودی و غله دار (۱۳۹۰)، در تحقیق اسنادی کتابخانه‌ای، "مشارکت سیاسی زنان افغانستان" را در ساختار قدرت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بررسی کرده‌اند و در صدد پاسخگویی به این سوال‌اند که با توجه به فرهنگ سنتی جامعه افغانستان، نظام سیاسی جدید تا چه حد در بهبود بخشیدن به مشارکت سیاسی زنان موفق بوده است. و به این پاسخ دست یافته‌اند که مسئله زنان یک مسئله فرهنگی است و حل آن نیز در کنار وضع قوانین و نهادهای ساختن امور زنان در قوانین، نیازمند کار و برنامه‌ریزی فرهنگی و نهادهای ساختن و تثبیت حضور زنان در ذهنیت افراد جامعه است. نویسندگان آموزش و آگاهی زنان را مهم‌ترین عامل در بهبود تغییر زنان دانسته‌اند.

نتایج تحقیقات لاینی و همکاران (۲۰۱۱)، در مورد "نگرش نقش جنیستی در افغانستان" نشان می‌دهد که نگرش مردان در مورد جنسیت نسبت به زنان محافظه کارتر است. این تحقیق که با استفاده از ریگرسیون چند متغیره و با نمونه از ۶۵۹۳ بزرگسال افغان انجام گرفته است، اثرات چندین عامل را به طور جداگانه بر نگرش نقش جنیستی مطالعه کرده است. عوامل محیطی و اجتماعی-دموگرافیک به عنوان عوامل میانجی در هردو گروه و هم چنین میزان شهر نشینی، قومیت، آموزش و باورهای دینی، بر میزان نگرش نقش جنیستی تأثیرگذار بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مردانی که به نقش جنسی لیبرال باور داشته‌اند، بیشتر از تحصیل کرده‌های غیر سنی و غیر پشتون هستند که به سازگاری اسلام و دموکراسی اعتقاد

دارند و حقوق برابر را برای همه بدون جنسیت، مذهب یا قومیت در نظر می‌گیرند.

مسعودی‌نیا و مهدی‌پرور (۲۰۰۹)، در تحقیقی "تطبیقی مقایسه‌ای، فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی" را مورد توجه قرار داده‌اند و به این نتیجه در استان ایلام دست یافته‌اند که روند رقابت‌های انتخاباتی هشت دوره مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف این فرضیه را تأیید می‌کند که تأثیر فرهنگ سیاسی طایفه‌ای بر سایر مولفه‌ها در انتخاب بیشتر بوده و داشتن پایه‌های مستحکم ایلی و قبیله‌ای عامل مهم در موفقیت و کسب اکثریت آرای مردم بوده است و خاستگاه طایفه‌ای و قومی ابزار قدرتمندی در اختیار نامزدها و انگیزه مهمی برای مردم در مشارکت سیاسی بوده است.

ارزیابی مطالعات پیشین

باجستجوی منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مقاله یا کتابی که جریان‌های اجتماعی فرهنگی زنان افغانستان را به صورت دوره‌ای مطالعه کرده باشد، یافت نشد. برخی از مقالات و نوشته‌های غیر علمی و غیر معیاری در این خصوص وجود دارد که به صورت پراکنده برخی از مقاطع را بررسی کرده است. اما این تحقیق در تلاش است تا جریان‌ها و خرده‌گفتمان‌های زنان معاصر افغانستان را در قالب دو پارادایم سنت و تجدد و هم‌چنین بررسی زمینه‌های اجتماعی، کنشگران و عوامل انسانی دخیل را مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین هم به لحاظ گستردگی، هم به لحاظ عنوان و هم از منظر روش با دیگر مطالعات متفاوت است.

چهارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش:

هرچند این یک تحقیق کیفی و کتابخانه‌ای است و ضرورتی به چارچوب نظری ندارد، اما برای فهم بیشتر مسئله و مفاهیم تحقیق می‌توان از چارچوب مفهومی استفاده کرد. افغانستان نزدیک به یک سده است که با بحران‌های عدیده‌ی اجتماعی رو بروت. یکی از دیرپا ترین بحران‌ها، کشمکش میان سنت و تجدد است. سنت گرایان از درک تجدد عاجزند و متجددین سنت را به مثابه مانع برای تجدد می‌دانند (کاظمی، ۱۳۷۳: ۸). بدینسان سنت گرایی و تجددگرایی با واکنش‌های احساسی و افراطی مدام باز تولید می‌شود و بر دامنه بحران‌ها می‌افزاید. به نظر می‌رسد در یک سطح کلان بررسی تاریخ تحولات اجتماعی و فرهنگی زنان افغانستان را در چارچوب منازعه دیرپای سنت و تجدد بهتر می‌توان فهم کرد و این مفاهیم از ظرفیت توضیح دهنده‌ی بیشتری در این زمینه برخوردار است. اما به صورت خاص چارچوب مفهومی انتخابی در این تحقیق یک دیدگاه ترکیبی است که شامل نظریه‌های جمع گرایی، فرد گرایی و رابطه گرایی است. به عبارت دیگر نظریه‌های موجود یا به فرد و کنشگر اصالت داده است و یا به ساختارهای اجتماعی و یا عوامل هماهنگ کننده و انسجام بخش را مورد تأکید قرار داده اند. اما این نظریه سعی کرده است نقش و سهم هر کدام از این عوامل را در بررسی ابعاد جریان‌های فرهنگی اجتماعی زنان ملاحظه کند (زاهد، زاهدانی، ۱۳۸۹). این دیدگاه ترکیبی شامل مفاهیم ذیل اند:

۱- جریان اجتماعی - فرهنگی

منظور از جریان اجتماعی در این دیدگاه رفتار جمعی سازمان یافته و آگاهانه‌ی است که به وسیله گروهی از کنشگران، با استفاده از امکانات و محدودیت‌های اجتماعی در یک زمینه اجتماعی خاص فعالیت می‌کنند. به عبارت دیگر جریان اجتماعی - فرهنگی قریب به جنبش اجتماعی است، نوع کوشش جمعی است، فاقد سازمان و ساختار است و به دنبال نهادینه سازی ارزشهای یا رد ارزشها و باورهای خاص است. هر کدام می‌تواند به تنهایی مورد مطالعه قرار گیرد.

۲- زمینه اجتماعی

مفهوم دیگر این ترکیب زمینه اجتماعی است. نقش زمینه اجتماعی در شکل گیری اندیشه و طراحی ایدئولوژی غیر قابل انکار است. زیرا جنبش در زمینه اجتماعی اتفاق می‌افتد. زمینه اجتماعی مکانی است که در آن کنشگران در راستای جهت جنبش، عمل می‌کنند. زمینه اجتماعی، امکانات و محدودیت های آن، تسهیلات و مزیقه های برای کنشگران جنبش به وجود می‌آورد. تقسیم کار اجتماعی بین کنشگران در یک جنبش براساس امکانات و محدودیت های اجتماعی شکل می‌گیرد. هیچ یک از عوامل ذکر شده به تنهایی عامل تعیین کننده جنبش نیستند. ترکیب هماهنگ آنان، جنبش را می‌سازد. تفاوت جنبش های مختلف در نتیجه تفاوت در این عوامل یا نحوه ترکیب آنان با یکدیگر است (زاهد، همان، ۹۰).

۳- ایدئولوژی یا گفتمان

یکی از مفاهیم دیدگاه ترکیبی، مفهوم ایدئولوژی است. در این دیدگاه ایدئولوژی یکی از عوامل اصلی جریان اجتماعی در نظر گرفته شده است. اینکه ایدئولوژی بار منفی دارد یا مثبت، عینی است یا ذهنی، بحث جداگانه‌ای است. اما از نظر این دیدگاه ایدئولوژی اساس انسجام اجتماعی جنبش‌ها و جریان های اجتماعی است و اهداف آنان را تعریف می‌کند و نوعی امید به کسانی که میخواهند در حرکت ها و جریان ها شرکت کنند می‌دهند و افق جدیدی پیش روی آنان می‌گشاید (زاهد، همان، ۸۵). در در جنبش و جریان زنان نیز مسئله ایدئولوژی و یا گفتمان از اهمیت فوق العاده برخوردار است که چه وجه جمعی بین کنشگران وجود دارد که آنها را در کنار هم جمع کرده است.

۴- کنشگران و رفتار آنان

مفهوم دیگر در اندیشه ترکیبی، کنشگران و رفتار آنان است. هر جریان فرهنگی اجتماعی دارای سه گروه از کنشگران است. نخست رهبران جریان که تولید کنندگان اندیشه هستند. دوم توزیع کنندگان این اندیشه ها که فرمان های رهبران توزیع و پخش می کنند و سوم پیروان جریان. باتوجه به این سلسله مراتب می توان گفت در هر جنبشی و جریان اجتماعی سه نوع کنش یا رفتار اتفاق می افتد. شناخت، عرضه و اجرا. شناخت اولین قدم است که بر عهده رهبران است. به دنبال شناخت عرضه است که ایدئولوژی باید از سوی رهبران به توزیع کنندگان و پیروان عرضه شود و در نهایت اجراست که رفتار نهایی همه کنشگران است.

بنابراین در این تحقیق تلاش می شود نخست جریان اجتماعی- فرهنگی زنان شناسایی و سپس گفتمان و ایدئولوژی که آنان را به حرکت در آورده و زمینه های اجتماعی و هم چنین کنشگران و کارگزاران آن نیز مورد مطالعه قرار گیرد

در صورت نیاز، ادامه بحث ضمیمه شود.

۴. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

جریان های اجتماعی- فرهنگی زنان: منظور از جریان اجتماعی در این دیدگاه رفتار جمعی سازمان یافته و آگاهانه ای است که به وسیله گروهی از کنشگران، با استفاده از امکانات و محدودیت های اجتماعی در یک زمینه اجتماعی خاص فعالیت می کنند.

سیاست های جنسیتی: طرح و برنامه ای که از سوی حکومت برای زنان یک کشور به اجرا گذاشته می شود تا حوزه رفتاری، شغلی و جسمی زنان را تحت نظارت و کنترل داشته باشند.

ایدئولوژی یا گفتمان: ایدئولوژی به مثابه یک محوری است که کنشگران و عوامل انسانی جریان های اجتماعی را به همدیگر وصل می کنند و اهداف آنان را تعریف می کند و نوعی امید به کسانی که میخواهند در حرکت ها و جریان ها شرکت کنند می دهند و افق جدیدی پیش روی آنان می گشاید

زمینه های اجتماعی: زمینه اجتماعی فضا و مکانی است که در آن کنشگران در راستای جهت جنبش، عمل می کنند. زمینه اجتماعی، امکانات و محدودیت های آن، تسهیلات و مضیقه های برای کنشگران جنبش به وجود می آورد.

کنشگران و فعالین: کنشگران و فعالین جریان به کسانی اطلاع می شوند که در سطوح مختلفی جریان قرار دارند. بخشی ممکن است تولید کنندگان اندیشه، برخی توزیع کننده گان اندیشه جریان باشند و بخشی هم مصرف کنندگان باشند.

۵. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

افغانستان، زنان، جریان‌های اجتماعی، سنت و تجدد، گفتمان و ایدئولوژی، سیاست‌های جنسیتی دولت

محور، نظام‌های سیاسی ناپایدار

۶. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی):

تمرکز اصلی بحث به لحاظ موضوع روی جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی زنان در افغانستان. در این زمینه ضمن شناسایی این جریان‌ها، به عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری، گفتمان حاکم بر جریان و کارگزاران و کنشگران تمرکز خواهد شد. به لحاظ مکانی افغانستان را در بر می‌گیرد و به لحاظ زمانی دوره معاصر این کشور را مورد مطالعه قرار خواهد داد.

۷. روش‌شناسی پژوهش:

۹-۱. روش تحقیق:

[توصیفی ☐] [تحلیلی ☐] [کمی ☐] [کیفی ☐]

توضیح:

این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده و در چارچوب تحقیقات کیفی قابل طبقه‌بندی است.

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای ☐ کتابخانه‌ای ☐ مشاهده ☐ مصاحبه ☐ پرسشنامه ☐

سایر ☐ لطفاً ذکر شود. ..

۹-۳. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

۹-۴. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

۹-۵. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)

۹-۶. نمونه‌گیری: ☐ تمام شماری می‌شود ☐ انجام نمی‌گیرد ☐ انجام می‌گیرد
نمونه‌گیری به روش با حجم یا تعداد نمونه انجام می‌پذیرد.

۸. سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی):

مقدمه:

فصل اول: کلیات، شامل بیان مسئله، ضرورت و اهمیت، اهداف و مفاهیم

فصل دوم: مبانی نظری و روش تحقیق

فصل سوم: زنان در دوره مشروطه

الف) شرایط اجتماعی

ب) عوامل انسانی و کنشگران

د) سیاست‌های جنسیتی

ه) ایدئولوژی و گفتمان

فصل سوم: زنان در دهه دموکراسی و قانون اساسی

الف) شرایط اجتماعی

ب) عوامل انسانی و کنشگران

د) سیاست‌های جنسیتی

ه) ایدئولوژی و گفتمان

فصل چهارم: زنان در دوره احزاب مارکسیستی

الف) شرایط اجتماعی

ب) عوامل انسانی و کنشگران

د) سیاست‌های جنسیتی

ه) ایدئولوژی و گفتمان

فصل پنجم: زنان در دوره مجاهدین و طالبان

الف) شرایط اجتماعی

ب) عوامل انسانی و کنشگران

(د) سیاست‌های جنسیتی

(ه) ایدئولوژی و گفتمان

فصل ششم: زنان در دوره جمهوری (پس از یازده سپتامبر)

الف) شرایط اجتماعی

ب) عوامل انسانی و کنشگران

(د) سیاست‌های جنسیتی

(ه) ایدئولوژی و گفتمان

خاتمه : نتیجه گیری و پیشنهادات

۹. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای

حجم کمی این پژوهش در حدود ۲۰۰ صفحه در نظر گرفته شده است.

۱۰. نتایج قابل انتظار از طرح:

۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد ☐

۵. تدوین طرح جامع ☐

۶. سایر موارد ذکر شود:

۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع ☐

۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی ☐

۳. تهیه سند راهبردی ☐

۱۱. مهم ترین منابع و مأخذ فارسی و خارجی:

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	محمد صدیق فرهنگ،	افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: انتشارات عرفان.			تهران	انتشارات عرفان	۱۳۸۸
۲	عبد القیوم سجادی	گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان			قم	دانشگاه مفید	۱۳۸۸
۳	ظاهر طنین	افغانستان در قرن بیستم			تهران	عرفان	۱۳۸۴
۴	عبد الحی حبیبی	جنبش مشروطیت در افغانستان			کابل	کمیتة طبع و نشر	۱۳۶۴
۵	راوا، اولیویه	افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی	ابوالحسن سرو مقدم		مشهد	استان قدس رضوی	۱۳۶۹
۶	اسد الله رضایی	مشارکت زنان افغانستان در عرصه های اجتماعی - سیاسی: موانع و راهکارها			تهران	عرفان	۱۳۹۴
۷	آصف محسنی	زنان در افغانستان، چالش ها، فرصت ها و راهکارها			قم	انتشارات المصطفی	۱۳۹۰
۸	Barfield, Thomas	Afghanistan a cultural and political history		Princeton University Press		New York	۲۰۱۰
۹	Ahmed-Ghosh, Huma	“A History of Women in Afghanistan: Lessons Learnt for the Future or Yesterdays and Tomorrow”		Journal of International Women's			۲۰۰۳

			Studies				
۲۰۰۶			Central Asian Review		The pendulum of gender politics in Afghanistan	Zulfacar, M	۱۰
۲۰۱۳			Brussel s, Internat ional Crisis Group.		Women and Conflict in Afghanistan, Afghanistan a cultural and political history	Asia Report	۱۱
							۱۲
							۱۳
							۱۴
							۱۵
							۱۶

۱۲. هزینه‌های پرسنلی *

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح و نوع همکاری	سطح تحصیلات	رشته تخصصی	ساعات کار در ماه	مدت همکاری	مبلغ پرداختی در ماه	هزینه
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								

جمع هزینه

*براساس ضوابط آئین نامه های پژوهشی

۱۳. سایر هزینه ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...):

ردیف	شرح	هزینه	ردیف	شرح	هزینه
۱		۵			
۲		۶			
۳		۷			
۴		۸			
مبلغ کل هزینه های اجرای طرح					

۱۴. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

ردیف	عنوان مرحله	شرح خدمات	پیش بینی زمان و درصد پیشرفت کار		درصد پرداخت	نحوه ارائه گزارش
			زمان لازم (روز)	درصد پیشرفت کار		
۱	صفر		۰	۰	۲۰*	بدون ارائه گزارش
۲	شرح خدمات گزارش مرحله اول طبق نظر مجری (۵۰ درصد از تحقیق)	ارائه گزارش مرحله اول			۳۰	
۳	نهایی	ارائه گزارش نهایی		۱۰۰	۵۰	

* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.